

تفسیر متون وحیانی

سال سوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۴۰۰ ص ۴۷-۷۱

فروزه‌های آسمانی توراتِ وحیانی در قرآن کریم

حبیب مکارم‌نژاد^۱، علی فتح الهی*^۲، اردشیر منظمی^۳

۱- دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم

آباد، ایران

۲- دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

۳- استادیار گروه معارف دانشگاه لرستان

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۵/۲۴ - تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۶/۳۰

چکیده

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب وحیانی دین‌های سامی، درباره‌ی متون وحیانی، هم‌خانواده و هم‌ریشه‌ی خود با بسامد بالایی سخن گفته است. این سخنان گاه در مقام تأیید و گاه در مقام نقد آنها بیان شده است. قرآن کریم در تأیید تورات، فروزه‌های (صفات) بسیاری را همانند: رحمت، فرقان و ذکری و... بیان می‌کند که برخی از آنها میان تورات و قرآن مشترک است. این فروزه‌های مشترک حکایت از منشاء وحیانی بودن تورات دارد؛ کتابی آسمانی که توسط قرآن مورد تأیید قرار گرفته و آن را بشارت دهنده‌ی قرآن نیز می‌داند. انتساب تورات به پیامبر اولوالعزم، حضرت موسی (ع) به صورت الواح و در سفر معنوی چهل روزه‌ی کوه طور، از اهم این داده‌های قرآنی است. هر چند درباره‌ی همه‌ی جزئیات تورات در قرآن سخن گفته نشده است، ولی برخی مفسران به پیام‌های آن از جمله شرک نورزیدن به خداوند، احترام به پدر و مادر اشاره نموده‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تورات، فروزه‌های قرآنی تورات، یهود.

۱. مقدمه

بیشتر دین‌ها دارای متن یا متون مقدسی هستند که مهم‌ترین و بنیادی‌ترین آموزه‌های آن دین را در بر می‌گیرند؛ به همین دلیل بهترین روش برای شناخت باورها و آیین‌های یک دین، در مطالعه و بررسی متون مقدس آن است. این مهم درباره‌ی متونی که سرچشمه‌ای فرازمینی دارند اهمیت شایانی دارد. دین یهود به عنوان دینی که بارها مورد اشاره و گاه عتاب قرآن کریم واقع شده است، دارای کتابی است به نام تورات، که یهودیان غالباً آن را کلام الله، متنی مقدس، وحیانی و تغییرنیافته می‌پندارند. از سوی دیگر، قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب وحیانی نازل شده و گنجی پر گوهر، در آیات خود به اختصار درباره‌ی زمان و چگونگی نزول و محتوای تورات اشاره نموده؛ هر چند در منابع تفسیری و تاریخی به صورت مشروح به آن پرداخته شده است. فروزه‌هایی همچون هدی و نور، نگاه قرآن را به این کتاب روشن می‌کند هر چند مشاهده می‌کنیم قرآن کریم، در آیاتی دیگر از تحریف آن سخن می‌گوید. نکته‌ی قابل توجه زمانی آشکار می‌شود که بدانیم سرچشمه‌ی این دو کتاب، یکی و آسمانی است. هر دو کتاب تورات و قرآن کریم در بازگو نمودن تاریخ، باورها و آیینهای خود سخن گفته‌اند هر چند قرآن کریم در این راه گام‌های بیشتر و وسیعتری از جمله در زمینه بیان تاریخ، محتوا و سرانجام تورات - برداشته است. پرداخت متن مقدس قرآن کریم، باعث شده تا دریچه‌ی تازه‌ای به بررسی این متن گشوده شود. این دریچه‌ی قرآنی بی‌گمان به اصالت‌بخشی و وحیانی بودن متن مقدس آشکارا یاری می‌رساند و آن را از پندارها و دستبردهای بدخواهان و خناسان حفظ خواهد نمود.

۲. پیشینه تحقیق

از آنجا که در مقالات مختلف از جمله «شواهد تحریف تورات در قرآن» به خامه‌ی نهله غروی نایینی و عبدالله فروزان‌فر در نشریه علوم انسانی الزهراء، منتشر شده در بهار

۱۳۷۹، دوره ۱۰، شماره ۳۳، صفحات ۸۲ تا ۱۰۶ در تأیید تحریف تورات و همچنین «تحلیل کاربردشناختی آیات تصدیق برای پاسخ به مسأله تحریف تورات و انجیل» به خامه‌ی محمدعلی طباطبایی، عبدالهادی مسعودی و محمدعلی مهدوی‌راد در نشریه تفسیر زبان و قرآن بهار و تابستان ۱۳۸۹، دوره ۷، شماره ۲، صفحات ۱۱۷ تا ۱۳۴ به طور مشروح درباره‌ی عدم تحریف لفظی تورات از منظر قرآن کریم، بسیار سخن گفته شده، ما در این پژوهش تنها به بیان فروزه‌های آسمانی تورات در متن مقدس قرآن کریم پرداخته‌ایم؛ فروزه‌هایی که شأن و منشأ این متن مقدس را آشکار می‌کند. این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی با مراجعه به منابع اصیل تفسیری و تاریخی، موضع رسمی مسلمانان را نسبت به کتاب و محتوای تورات بیان می‌کند. تلاش مذکور می‌تواند در راستای نقد تاریخی کتاب مقدس که در غرب انجام گرفته، یاریگر پژوهشگران ادیان قرار گیرد.

۳. واژه‌شناسی تورات

کتاب حضرت موسی(ع) در قرآن، «تورات» نام دارد که هجده بار از این واژه برای اشاره به کتاب یهود استفاده شده است. «تورات» در کتاب‌های لغت و تفاسیر قرآن به معانی زیر آمده است:

۱/۳- «تورات» به معنای شریعت و تعلیم است که از زبان عبرانی وارد زبان عربی شده است. (زمخشری، ۲۰۰۹: ۱/۳۳۵؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱/۴۳۵، همچنین نک. طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳/۱۰، و جفری، ۱۳۹۵: ۱۶۱-۱۶۲)

۲/۳- معنای «تورات» ضیاء و نور است، همان‌گونه که عرب معتقدند. در قرآن آیه: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَ هَارُونََ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً» دلیل بر این سخن است... اصل کلمه‌ی «توراة» از «توریه» بر وزن «تَفْعِلَةٌ» - به فتح تاء و سکون واو، و فتح راء و یاء - است. (فخر رازی، ۱۹۸۱: ۷/۱۳۱)

۳/۳- لغت‌شناسان و عالمان عرب ریشه واژه تورات را «وَرَى» به معنای «شعله» را برافروختن» دانسته‌اند (قاموس، نیز ابن منظور، ذیل وری؛ راغب، ۵۲۰-۵۲۱)

۴/۳- مفسر دیگری شبیه به این دیدگاه را دارد او می‌گوید: تورات مشتق است از «وَرَى الزَّئِد» یعنی: از آتش زنه چون آتش از آن ظاهر شود و گفته‌اند: از «توریه»، زیرا که در آن کنایات بسیارست. وزن آن نزد بصریان «فَوَعْلَه» است چون «حوقله». او را به تاء تبدیل کردند مانند «تخمه» و «تراث». نزد کوفیان «تفعله» است بکسر عین. کسر آن بفتحه تبدیل کردند چنانکه «جارات» در «جاریه» و «ناصه» در «ناصیه» و گفته‌اند تفعله است بفتح عین. (حسنی واعظ، ۱۳۸۲: ۱/۳۷)

۵/۳- در یکی از منابع، مفهوم لغوی و اصطلاحی تورات: واژه توراها از ریشه ۳۳۶ (ی.ر.ه) عبری، و در اصل خود به معنی «تعلیم»، «آموزش» و «اصل اعتقادی» است. از این‌رو، به باور بسیاری از محققان، ترجمه آن به قانون یا شریعت در زبان‌های غربی، ترجمه‌ای نارساست که معنای کامل واژه را نمی‌رساند و کاربرد آن در آثار محققان جدید سبب ایجاد برداشتی شریعت‌محورانه از دین یهودی شده است. (حاج منوچهری، لاجوردی، ۱۳۶۷: ۱۶/۶۱۵۸)

۴. زمان نزول و محتوای تورات از دیدگاه قرآن

بر اساس تفاسیر قرآنی، زمانی که موسی در مصر بود خداوند به او نوید داده بود در صورت پیروزی بنی‌اسرائیل بر مصریان و خروج آنها از مصر کتابی بر آنها فرو فرستد و رفتارهای شایسته و ناشایسته را برایشان روشن نماید. پس از خروج پیروزمندانه از مصر، بنی‌اسرائیل از موسی درخواست نمودند به قولش عمل نماید. موسی نیز آن خواسته را با خداوند در میان نهاد. خداوند به موسی دستور داد که جامه‌ی نو و تمیز پوشیده، سی روز را در کوه طور روزه بدارد تا کتاب بر او نازل گردد. آغاز این روزه یکم ذی‌القعدة بود. پس از گذشت سی روز، به دستور خداوند ده روز دیگر تا دهم ذی‌الحجه نیز موسی در کوه طور ماند تا تورات بر او نازل شد. (فخررازی، ۱۴۰۱: ۳/۲۳۵ و ۴/۲۳۵؛ همچنین نک. تفسیر مقاتل، ۱۴۲۳: ۱/۱۰۴) هر چند در جای دیگر

فخررازی از صاحب کشف نقل می‌کند که برخی منابع بر این رأی هستند که حضرت موسی(ع) در روز عرفه (در برابر خداوند) مدهوش شد و خداوند تورات را در روز نحر به او اعطاء نمود. (فخررازی، ۱۴۰۱: ۱۴/۳۶۰)

از دیگر موضوعات قابل توجه درباره‌ی تورات در قرآن کریم، آن است که در این کتاب آسمانی، تورات، انجیل، زبور و قرآن کریم در عرض یکدیگر و گاه در کنار هم قرار یافته (مثلاً آل عمران/۳، ۴۸/۳)، و در راستای یکدیگر و دارای مفاهیمی یکسان‌اند. بدین ترتیب، مشاهده می‌شود که تورات حتی به عنوان سابقه و پیشینه‌ای برای اندیشه‌ی الهی قرآن کریم یاد شده است (آل عمران/ ۳-۴)

در نگاهی کلی به قرآن کریم می‌توان دریافت که عمل به تورات و دستورات آن توسط بنی‌اسرائیل و یهودیان راهیابی به بهشت و بهره بردن از نعمتهای آن را در پی دارد (مائده/۵، ۶۵-۶۶). عمل به تورات خود در بردارندگی ارزش‌هایی است که سبب می‌شود تا عاملان بدان، خود جایگاهی بلندمرتبه یافته، نه تنها به مثابه‌ی اهل کتاب، که به دلیل شیوه‌ی برخورد آنها با کتاب آسمانی‌شان در شمار اهل دین قرار یابند.

در قرآن، به تورات و سایر دستورات نازل شده بر موسی، تعبیر به فرقان شده؛^۱ به معنی چیزی که میان حق و باطل جدایی بیاندازد. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۲ و ۳/۱۱) همچنین صفات دیگری همچون ذکر^۲، رحمت^۳ و ضیاء^۴ نیز به تورات داده شده است.

مرحوم طالقانی بر این عقیده بود که تورات و انجیل در میان وحی‌ها و الهامات ما بین یدیه، وحی‌هایی بودند متضمن اصول اعتقادی و احکام و نظامات که به صورت کتاب درآمدند و ملت‌هایی فرا آوردند. مفرد آمدن تورات و انجیل و معنای

^۱ - انبیاء/۴۸ و بقره/۵۳.

^۲ - «ولقد آتینا موسی‌الهدی و أورثنا بنی‌اسرائیل‌الکتاب هدی و ذکرى لأولی‌الألباب» غافر/۵۴ - ۵۳

^۳ - «و من قبله کتاب موسی اماما و رحمۃ» احقاف/ ۱۲

^۴ - «ولقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکر للمتقین» انبیاء/ ۴۸

لغوی آنها دلالت بر همان اصول شریعت و بشارت دارد، نه به پنج کتاب عهد عتیق و اناجیل گوناگون با همه وقایع نگاری‌ها. (طالقانی، ۱۳۴۵: ۵/۱۳)

بر اساس گفته‌ی قرآن، نخستین گفت و گوی موسی با خداوند در وادی مقدس طور شکل می‌گیرد جایی که خداوند به او دستور می‌دهد به پاسداشت تقدس این زمین مقدس، کفش‌هایش را در آورد. «... يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى...» (طه/۱۲) و خدایی که این‌گونه خودش را به موسی معرفی می‌کند «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا...» (طه/۱۴)

بنابر دیدگاه برخی مفسرین، تورات به صورت دفعی و یکباره بر حضرت موسی نازل گردید. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۲۶۷) این کتاب آسمانی، از دیدگاه قرآن به صورت سنگ نوشته (الواح) بر حضرت موسی نازل گردید؛^۱ الواح در این آیات جمع لوح در اصل به معنی آشکارشدن است «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» لوح به تخته و صفحه‌ای گویند که در آن می‌نویسند خواه از چوب باشد یا غیر آن. مراد از الواح صفحه‌های تورات است که جنس آنها، چوب یا چرم یا فلز بودن آن مشخص نیست. (قرشی، ۱۳۵۴: ۶/۲۱۴) هر چند طبری معتقد است که تورات در الواحی که جنس آن از زبرجد بود، نازل شد. (طبری، بی‌تا: ۱/۶۶۷)

واژه‌ی الواح سه بار در قرآن کریم و هر سه بار در سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف در آیات ۱۴۵، ۱۵۰ و ۱۵۴ بکار رفته است. سوره‌ای که آیات زیادی از آن درباره‌ی قوم موسی همچون دعوت **فرعون**، معجزه تبدیل عصا به اژدها و **ید بیضاء**، مبارزه با ساحران در شهر، تهدید فرعون، رنج **بنی اسرائیل**، عذاب قوم فرعون و غرق شدن‌شان در دریا و عبور بنی اسرائیل، میقات موسی در **کوه طور**، نزول **الواح** بر موسی، **گوساله سامری**، برگزیدن هفتاد نفر از بنی اسرائیل برای میقات، دوازده گروه بنی اسرائیل و چشمه‌های دوازده گانه، تغییر کلمات وحی شده، تجاوز در شب، **مسخ** شدن و آوارگی بنی اسرائیل است. (اعراف/۱۰۳-۱۶۹) گرچه در عهدعتیق نوشتن تورات را به موسی منتسب

^۱ - برای نمونه نک. «وَكُنْتُمْ لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ» اعراف/۱۴۵، همچنین اعراف آیات ۱۵۰ و ۱۵۴.

نموده‌اند (سفرتنییه: ۹/۳۱) درباره‌ی جزئیات این الواح به تصریح در قرآن مطلبی گفته نشده است. برخی از مفسرین در یکی بودن الواح و تورات تشکیک نموده‌اند. در انبوهی از روایات درباره‌ی گونه‌های مختلف ارتباطی الواح موسی (ع) و تورات سخن به میان آمده است. در برخی از روایات، نوع بیان سخن از گونه‌ای از ارتباط متداخل این دو دارد. قرطبی معتقد است این الواح پیش از نزول تورات بوده است. (قرطبی، ۱۲۶۵ش: ۲۸۹/۷) رأی مؤلف تفسیر المنار نشان می‌دهد که وی نیز میان این دو تفکیک قائل است. او در مورد ارتباط الواح و تورات چنین می‌گوید «الواح بخش اول از شریعت بودند. در واقع این الواح به نوعی تورات اجمالی بوده‌اند و پس از آن، احکام تفصیلی در عبادات، معاملات و... در زمان‌های مختلف و به صورت تدریجی نازل شده است.» (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۹/۱۶۴) اما از سخن ابن کثیر درباره‌ی دیدگاه بالا، بر می‌آید که او این نظر را می‌پذیرد که بر اساس آیه‌ی «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ» (قصص/۴۳) الواح همان تورات است آنگونه که الواح مشتمل بر تورات بوده است. (ابن کثیر، ۱۴۲۰ه: ۵/۷۸۴، همچنین نک. طبرسی، ۱۴۲۷: ۴/۲۶۲) همچنین بنابر دیدگاه ابن جوزی تورات جزئی از الواح بوده که پس از انداختن آنها «رُفِعَ مِنْهَا سِتَّةُ أَسْبَاعٍ وَ بَقِيَ سَبْعٌ» (ابن جوزی، ۱۴۰۴ه. ۵/۲۶۴) بنا بر نظر سیوطی، الواح همان تورات بود «أى ألواح التوراة» (سیوطی، بیتا: ۱/۲۱۳)

ایجی شافعی-مفسر قرن دهم هجری- هر چند می‌گوید گفته شده که الواح پیش از نزول تورات بوده، اما خودش قول یکی بودن الواح و تورات را برمی‌گزیند. (ایجی شافعی، ۱۴۲۴: ۱/۶۵۲)

مؤلف تفسیر مقاتل معتقد است که خداوند با دست خودش الواح را نوشت و آغاز آن با جمله‌ی «أنى أنا الله الذى لا إله إلا أنا الرحمن الرحيم» بود. این مفسر، دستورات خداوند به یهود در الواح که تعداد آنها ۹ لوح بود، را عبارت از:

- شرک نورزید!
- قتل نکنید!
- زنا نکنید!

- راهزنی نکنید!
- والدین خود را دشنام ندهید، می‌داند. (مقاتل، ۲۰۰۲: ۶۴-۶۳/۲)

آلوسی ضمن بحث مشروحی درباره‌ی محتوا و تعداد الواح، به اختلاف زیاد اخبار در این مورد اشاره نموده است. بنابر اخبار منقول از وی، دیدگاه حداکثری معتقد است هر آنچه انسان‌ها بر روی زمین تا روز قیامت به آن نیازمند باشند در تورات وجود دارد. اما دیدگاه حداقلی هدف از بیان «مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ» را نقل برخی از نیازهای یهود مانند موعظه و شرح حلال و حرام احکام می‌داند؛ به عنوان نمونه فخررازی می‌نویسد: «فَلَا شُبْهَةَ فِيهِ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْعُمُومِ بَلِ الْمَرَادُ مِنْ كُلِّ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مُوسَى وَقَوْمُهُ فِي دِينِهِمْ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْمَحَاسِنِ وَالْمَقَابِحِ». (فخررازی، ۱۴۱۰: ۱۴/۳۶۰) واحدی نیز در این باره اعتقاد دارد که: «تفصيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ» به معنی «هدایه‌ی کلی امر هو الله رضا» می‌باشد. (واحدی، ۱۴۱۵: ۲/۴۰۹) با این وجود، فخررازی به این دلیل که در لفظ آیه، درباره‌ی کیفیت و محتوای الواح سخن گفته نشده، سکوت را لازم و واجب می‌داند: «وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي لَفْظِ الْآيَةِ مَا يَدُلُّ عَلَى كَيْفِيَّتِهِ تِلْكَ الْأَلْوَاحِ، وَعَلَى كَيْفِيَّتِهِ تِلْكَ الْكِتَابَةِ فَإِنَّ ثَبَتَ ذَلِكَ التَّفْصِيلِ بِدَلِيلٍ مُنْفَصِلٍ قَوِيٍّ، وَجَبَ الْقَوْلُ بِهِ وَإِلَّا وَجَبَ السُّكُوتُ عَنْهُ» (فخررازی، ۱۴۰۱: ۱۴/۳۶۰)

درباره‌ی تعداد الواح، عدد ده، هفت و دو لوح گفته شده است. جنس آن از زمرد سبز گفته شده که جبرئیل آن را از عدن آورد، همچنین از زبرجد، سدر الجنه، و از چوب‌هایی نازل شده از آسمان، که طول آن ده و دوازده ذراع نیز گفته شده است. همچنین آلوسی درباره‌ی محتوای تورات بنابر اخبار رسیده، معتقد است به شرک نورزیدن، شکرگزاری از خداوند و والدین، نکشتن نفس بی‌گناه، سوگند دروغ خوردن، حسادت نورزیدن به آنچه که خداوند به دیگران بخشیده است، شهادت دروغ دادن، زنا کردن، دزدی نمودن، آنچه برای خودت می‌خواهی برای دیگران هم بخواهی، قربانی تنها برای خدا باشد و پاسداشت روز سبت. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۵-۵۶/۵) ابن جوزی مفسر قرن ششم ه.ق. جنس این الواح را بنابر اخبار رسیده، در هفت دسته تقسیم‌بندی نموده است: زبرجد، گفته‌ی ابن عباس، یاقوت، گفته‌ی سعیدبن جبیر، زمرد

سبز، گفته‌ی مجاهد، برد، گفته‌ی ابوالعالیه، چوب، گفته‌ی حسن، صخر، گفته‌ی وهب بن منبه، زمره، گفته‌ی مقاتل. همچنین دسته بندی این مفسر درباره‌ی شمار الواح اینگونه است: هفت لوح که سعیدبن جبیر از ابن عباس نقل می کند، دو لوح که از ابن عباس نقل شده و الفراء می پذیرد، ده لوح قول وهب و نه لوح قول مقاتل. درباره‌ی محتوای الواح نیز دو قول مشهور را نقل می کند که یکی می گوید هر آنچه از حلال و حرام و واجب دین لازم بوده بیان شده؛ و دیگر قول که از حکم و عبر سخن می گوید. (ابن جوزی، ۱۴۰۴ه: ۲۵۸-۵/۲۵۹) سید قطب درباره‌ی محتوای این الواح، سکوت نموده است و نقل برخی گفته‌ها در این زمینه در تفاسیر و کتب اسلامی را برگرفته از اسرائیلیات می داند و به بیان کلی این نکته که در الواح رسالت و هدف آن گفته شده، بسنده می کند (سیدقطب، ۱۳۸۶: ۳/۷۷) عیاشی در شرح آیه‌ی «وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ...» (اعراف/۱۴۵) بر این باور است که موسی گمان می کرد همه‌ی اشیاء در تابوت وجود دارد، و دانش همه‌ی علوم در تورات نوشته شده، در صورتی که علومی بود که در تورات برای موسی نوشته نشده بود (شاید اشاره به آموختن موسی از خضر باشد) (عیاشی، ۱۴۲۱ه: ۲/۳۳۱) آیت‌الله جوادی آملی در این باره در تفسیر خود بیان می دارد که تورات تفصیل دهنده همه نیازهای بنی اسرائیل بوده است. (وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ) و حضرت موسی (ع) نیز تمام نیازهای مردم روزگارش را تأمین می کرد، چنان که تورات هدایت در جهت و رحمت برای آن مردم نیز بوده است (هدی و رحمه). ایشان در ادامه بحث‌شان از این آیه به عنوان هدف نزول تورات می نویسد که خدای سبحان با اوصاف چهارگانه تفهیم، تفصیل، هدایت و رحمت ظهور کرد تا بنی اسرائیل قیامت را باور کنند؛ ایشان در ادامه آورده است که متأسفانه در تورات کنونی با اهمیتی که معاد دارد، به این موضوع همانند قرآن کریم پرداخته نشده است، مگر اشاراتی که شاید استنباط از آن‌ها آسان نباشد. در حالی که خدا در آیه مورد بحث هدف از نزول تورات را معاد برمی شمرد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۵۳۷ - ۲۷/۵۳۵) قرطبی از ابن عباس روایتی نقل می کند که زمانی که موسی الواح را انداخت به جز یک ششم آن که شکسته شد، بقیه‌ی آن، به آسمان رفت. (قرطبی، بی تا: ۴/۱۸۳) میبیدی درباره‌ی

محتوای الواح می‌گوید: «در آثار آورده‌اند از آن موعظت‌ها که رب العزّة در الواح نبشت از بهر موسی، و بوی داد، این بود که: یا موسی! اگر خواهی که بدرگاه عزّت ما ترا آبرویی بود، و بقربت و زلفت ما مخصوص باشی، یتیمان را نیکودار، و درویشان را خوار مکن. ای موسی! من یتیمان را نوازنده‌ام و نیک خواه، و بر درویشان مهربان و بخشاینده، بنواز آن کس را» (میبدی، بی‌تا: ۳/۷۴۷) المیزان درباره‌ی سرانجام تورات گفته‌اند که بخت‌النصر پادشاه بابل در میانه‌ی قرن هفتم بر یهودیان پیروز گشت، تورات را سوزانده و تا مدت‌ها خبری از آن نبود تا آنکه عزرای کاهن در اوایل قرن ششم ق.م با کمک کوروش پادشاه ایران که توانست بابل را فتح کند، ضمن اینکه بنی‌اسرائیل را از اسارت نجات داد و به سرزمین مقدس برگردانید به گردآوری باقیمانده تورات اقدام نمود. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۷/۵۰۵)

۵. فروزه‌های آسمانی تورات وحیانی در قرآن کریم

۱-۵/ رحمت: از صفاتی که خداوند این کتاب را با آن یاد می‌کند، رحمت است که در آیات متعدد می‌فرماید: «و هدی و رحمة لعلهم بلقاء ربّهم یؤمنون» (انعام/۱۵۴) همچنین: «هدی و رحمة للذین هم لربّهم یرهبون» (اعراف/۱۵۴) و همچنین: «بصائر للناس و هدی و رحمة لعلهم یتذکرون» (قصص/۴۳) و «من قبله کتاب موسی اماما و رحمة» (احقاف/۱۲).

دو بُعد نظری و عملی تورات که در این آیه به آن اشاره شده شده عبارتند از: هدایت در بُعد نظری و رحمت در بُعد عملی. توضیح مطلب اینکه این هدایت در زمینه کارهای فکری و رحمت درباره کارهای عملی انسان است. از دیدگاه تورات انسان نیاز دارد بفهمد و مسیر فهمش را بیپیماید. این نخستین هدایت و راهنمایی است و سپس پیمودن آن راه. اولی علم صائب است و دومی عمل صالح. با علم صائب، هدایت تحقیق می‌یابد و با رحمت، عمل صالح تأمین می‌شود (جوادی آملی،

۲۷/۱۳۸۵:۵۳۵)

همچنین آیه‌ی: «مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ» (احقاف / ۱۲) اشاره به امام و رحمت بودن تورات می‌کند و اینکه این کتاب می‌تواند مقتدای بنی اسرائیل باشد. بنی اسرائیل باید در اعمال خود از آن پیروی کنند، بدین جهت که مایه اصلاح نفوس مردم با ایمان و رحمت است. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۵/۲۹۹) در این آیه تعبیر (اماما و رحمة) ممکن است از این نظر باشد که بعد از ذکر امام و پیشوا، احیاناً مسئله تکلیف شاق و خشونت‌بار به ذهن تداعی می‌کند، به واسطه خاطره‌ای که از پیشوایان خود داشتند. ولی ذکر «رحمت» این تداعی را اصلاح می‌کند و می‌گوید: امامت این امام توأم با رحمت است. حتی اگر تکالیفی آورده، آن هم رحمت است و چه رحمتی برتر از تربیت نفوس آن‌هاست.

۲/۵- ذکر: از جمله صفاتی که قرآن برای تورات ذکر کرده، صفت «ذکر» است. در بعضی از آیات هدف نزول تورات را تذکر و یادآوری برای صاحبان خرد بیان می‌کند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأُورثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ هُدًى وَ ذِكْرًا لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (غافر/ ۵۴-۵۳): و ما به موسی هدایت بخشیدیم و بنی اسرائیل را وارثان کتاب تورات قرار دادیم. کتابی که مایه هدایت و تذکر برای صاحبان عقل بود. همان طور که درباره قرآن تعبیر ذکر را آورده است: «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (هود/ ۱۲۰): ما از هر یک از سرگذشت‌های انبیا برای تو بازگو کردیم تا به وسیله آن قلبت را آرامش بخشیم، و در این [اخبار و سرگذشت‌ها] برای تو حق و برای مؤمنان موعظه و تذکر آمده است. «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ» (یس / ۶۹). «وَ هَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» (انبیا / ۵۰).

در قرآن کریم به کتاب زبور حضرت داوود اشاره شده و به تورات هم «ذکر» اطلاق شده است (اندلسی، ۱۴۳۶هـ. ۵/۲۹۲). «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء / ۱۰۵): در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم،

بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد. در مجمع‌البیان برای ذکر چند معنی نقل شده که یکی از آن‌ها تورات است: «و ثانيها ان الزبور الكتب المنزله بعد التوراة و الذكر هو التوراة عن ابن عباس و ضحاک، ثالثها ان الزبور زبور داوود، و الذكر توراه موسى، عن الشعبي» (طبرسی، ۱۳۸۰: ۱۷/۱۱۹).

همان‌گونه که خداوند متعال یکی از اهداف نزول قرآن را تذکر و یادآوری برای عموم مردم نه خاصه مسلمانان بیان می‌کند: «و يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (بقره/۲۲۱) خداوند متعال درباره‌ی تورات نیز می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص/۴۳) و نیز در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ» (انبیاء/۴۸).

۳/۵- تفصیل: از جمله صفاتی که در قرآن کریم برای تورات ذکر شده، صفت تفصیل است که در آیه شریفه: «نُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَىٰ الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ» (انعام/۱۵۴) آمده‌است. آلوسی ضمن تفسیرش ذیل این قسمت (و تفصیلاً لكل شیء) می‌نویسد: «ای بیانا مفصلاً لكل ما يحتاج اليه في الدين، دلالة فيه على انه لا اجتهاد في شريعة موسى(ع) خلافاً لمن زعم ذلك، فقر و در مثله في صفة القرآن كقوله تعالى في سورة يوسف(ع) و تفصیل كل شیء» (آلوسی، ۱۴۰۵ق: ۵/۸۹).

اما از گفته‌ی فخر رازی در تفسیرش که این چنین نقل می‌کند: «آتینا موسی الكتاب تماماً، ای تاماً کاملاً علی أحسن ما تكون علیه الكتاب»: ...به معنی بهترین وجه که نیکوست، نظر دارد. در ادامه نیز از قول کلبی نقل می‌کند که: «و مراد از تفصیل کل شیء یعنی: من النعم فی الدین و المراد به ما يتخص بالدین فدخل فی ذلك بیان تبوه رسولنا (ص) الدین، و شرعه و سایر ادله و احکام الامانسخ منها» (فخر رازی، ۱۴۱۰ق: ۵/۴).

طبرسی هم در تفسیر این آیه می‌گوید: «تفصیلاً - ای بیانا لكل ما يحتاج اليه الخلق»: همانا تمام آنچه که مردم به آن احتیاج دارند (طبرسی، ۱۳۸۰: ۲/۱۹۷).

مفسر تسنیم در تفسیر خود در خصوص «تفصیلُ کُلِّ شَیْءٍ» می‌فرماید که : «تورات تفصیل‌دهنده همه‌ی نیازهای بنی‌اسرائیل بوده است. (و تفصیلاً لَکُلِّ شَیْءٍ) و حضرت موسی(ع) نیز تمام نیازهای مردم روزگارش را تأمین می‌کرد، چنان‌که تورات هدایت در جهت و رحمت برای آن مردم نیز بوده است (هدی و رحمه).» وی مطابق با این آیه ویژگی‌هایی را به‌عنوان هدف نزول تورات بیان می‌کند تا بدین‌وسیله یهود به اصل مهم و حیاتی دعوت پیامبران یعنی رستاخیز ایمان بیاورند؛ او در این باره می‌گوید : «خدای سبحان با اوصاف چهارگانه تفهیم، تفصیل، هدایت و رحمت ظهور کرد تا بنی‌اسرائیل قیامت را باور کنند.» اما از دیدگاه این مفسر متأسفانه در تورات کنونی با اهمیتی که معاد دارد، به این موضوع همانند قرآن کریم پرداخته نشده است، مگر اشاراتی که شاید استنباط از آن‌ها آسان نباشد. در حالی‌که خدا در آیه مورد بحث هدف از نزول تورات را معاد برمی‌شمرد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۳۷- ۲۷/۵۳۵).

طباطبائی نیز با همین نگاه، در این زمینه فرموده است : «تورات فعلی و کنونی که در قرآن از آن یاد شده که تحریف شده است، در آن هیچ بحثی از روز قیامت ندارد و بعضی از مورخین آن‌ها هم می‌گویند که ملت اسرائیل اعتقاد به معاد ندارند» (طباطبائی، ۱۳۸۷: ۷/۳۹۶).

با وجود این فضای حاکم بر تورات و برداشت‌های مفسرین، برخی محققین را بر آن داشته که بگویند آنچه که در آیه شریفه بیان شده دلالت بر این دارد که تورات نسبت به معارف و شرایعی که مورد حاجت بشر است، کتاب کاملی نیست و همین‌طور هم هست. همچنان که در آیه: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَهْمِنًا عَلَيْهِ...» (مائده/۴۸)، بعد از ذکر تورات و انجیل، قرآن را مهیمین و مصدق آن دو خوانده است (فعال عراقی، ۱۳۸۱: ۲۴).

۴/۵ - بصیرت‌بخشی: «وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص/۴۴).

«بصائر» جمع «بصیرت» و به معنای «بینایی» است. در اینجا منظور، آیات و دلایلی است که موجب روشنایی قلب مؤمنان می‌شد و هدایت و رحمت نیز از لوازم این بصیرت است و به دنبال آن تذکر و بیداری دل‌های آماده. خداوند در این آیه می‌فرماید: من سوگند می‌خورم که ما کتاب تورات را به موسی دادیم و آن را به وی وحی کردیم. و این کتاب آسمانی که به موسی وحی کردیم، سبب بصیرت و تعلیم و آموزش بشر است.

بصیرت به معنی معرفت و تحقیق (مفردات راغب، کلمه بصر) و بینش و آگاهی و کلمه «بصار» جمع «بصر»، یعنی «چشم». گویا، مراد از بصائر جهت‌ها و دلایل روشن و برهان‌های محکم است که به وسیله آن مردم به حق آگاهی و معرفت و بینش پیدا می‌کنند و به سوی معارف حقه و هدایت و رستگاری حرکت می‌کنند. این معنا را از بیان طبرسی می‌توان فهمید که بصائر را به معنی حجج و براهینی برای مردم می‌داند تا مایه‌ی عبرتی باشد که بوسیله‌ی آن امور دین خودشان را بفهمند و دلیلی برای فهم احکام شریعت یهود باشد. (طبرسی، ۱۳۸۰: ۷/۳۲۰) از آنجا که خداوند متعال خود بصیر است: «وَ كَفَىٰ بَرِّكٍ بِذَنُوبٍ عِبَادَةٍ خَبِيرًا بِصِيرًا» (اسراء/۱۷)، کتاب‌های آسمانی هم که نازل کرده است، بصیرت‌بخش و روشن‌گرند. لذا لفظ بصائر در مورد قرآن کریم هم بکار رفته است: «هَذَا بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۲۰۳). در مورد تورات هم می‌فرماید: «بصائرٌ للنَّاسِ».

۵/۵- فرقان: در آیه‌ی شریفه: «وَ إِذِ اتَّيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره/۵۲)، منظور از کتاب و فرقان ممکن است هر دو اشاره به محتوای تورات باشد که دربرگیرنده‌ی اصول دین باشد که خود این اصول خط قرمز و تمایز میان حق و باطل است. نیز ممکن است اشاره به معجزاتی باشد که خداوند در اختیار موسی (ع) گذاشته بود و یا منظور نصر و فرجی باشد که خداوند به بنی‌اسرائیل تفضل فرمود (فخررازی، ۱۴۰۱: ۴/۸۳). مفسران در معنای این دو کلمه و اینکه به چه معنا آمده است، نظرهای مختلفی دارند که به بعضی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد. به قول برخی مفسرین، این تفسیرها هیچ‌گونه منافاتی با هم ندارند. زمخشری، فرقان را همان

تورات را گرفته است (زمخشری، ۱۴۱۵ق: ۳/۱۲۲). همان‌طور که خداوند درباره قرآن این وصف را آورده است «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا» (فرقان/۱). درباره تورات نیز می‌فرماید: «و اذ اتینا موسی الکتاب و الفرقان لعلکم تهتدون» (بقره/ ۵۳). مقصود از «الکتاب» همان تورات معهود و مقصود از «فرقان» چیزی است که عامل هدایت است. زیرا عنوان «اهتدا» که در پایان آیه به عنوان حکمت چنین نعمتی بیان شده است، نشان می‌دهد که فرقان اثر راهنمایی دارد. رأی بعضی از مفسران این است که مراد از فرقان همان کتاب است. (مغنیه، ۱۳۸۶: ۱/۱۲۰)

آیت الله جوادی آملی معتقد است عطف «الفرقان» بر «الکتاب» می‌تواند عطفی بر صفت دیگر باشد و هرکدام بیانگر بعدی از ابعاد تورات. یعنی ما بر موسی(ع) نعمتی عطا کردیم که هم کتاب بود و هم فرقان و می‌تواند مراد از کتاب و فرقان دو چیز متفاوت باشد. یعنی به موسی کتاب (تورات) دادیم و نیز به او فرقان عطا کردیم. بر این مبنا، مراد از فرقان معجزات و براهین و مانند آن خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۴/۴۳۱).

ممکن هم هست که فرقان شامل تورات و معجزات حضرت موسی شود و منافاتی بین این دو نیست. فرقان یعنی وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن چیزی است که بتوان به وسیله آن حق را از باطل تشخیص داد. فرقان مانند «فرق» مصدر است، منتها فرقان بلیغ‌تر از فرق است. البته راغب فرقان را اسم می‌داند (راغب، ۱۴۱۶ق: ذیل فرق) تورات متصف به کتاب شده است، زیرا مجموعه‌ای از قوانین، معارف، اخلاق و احکام فقهی و حقوق به جامعیت تورات است و فرقان اشاره به فاروق بودن آن بین حق و باطل، صدق و کذب و... است. به بیان سوم، عطف صفات به یکدیگر برای برجسته شدن هر صفتی در ذهن مخاطب است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۴/۴۳۱)

در آیه دیگری که فرقان بودن تورات را می‌رساند چنین آمده: «وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ» (انبیا/ ۴۸). طباطبایی مراد از

فرقان و ضیاء ذکر در این آیه را تورات دانسته است و می‌فرماید: «آیه بعدی شاهد بر این است که مراد از فرقان و ضیاء و ذکر تورات است خداوند آن را به موسی و برادرش هارون که شریک در نبوت وی بود داد و اگر تورات را فرقان دانسته یا برای این است که تورات فرق گذارنده میان حق و باطل باشد و یا بدین جهت است که وسیله فرق میان حق و باطل در اعمال و اعتقادات است. این آیه نظیر آیه و اذا آتینا موسی الکتاب و الفرقان لعلکم تهتدون است» (طباطبائی، ۱۳۸۷: ۱۴/۴۱۷). مؤید این مطلب آن است که در آیات دیگر، تورات را نور دانسته که با ضیاء معنای نزدیک‌تر دارد و همچنین در سوره صافات آن را کتاب روشنگری دانسته که به موسی و هارون عطا شده «وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ وَ نَجَّيْنَاهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ وَ نَصَرْنَاهُمْ فَاكْنُؤُوا هُمُ الْغَالِبِينَ. وَ آتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ» (صافات / ۱۱۷-۱۱۴) مفسر مجمع البیان نیز مراد از فرقان را تورات دانسته است که میان حق و باطل داوری می‌کند. (طبرسی، ۱۳۸۰: ۷/۹۲)

۵/۶- ضیاء و کتاب مُسْتَبِينَ: از دیگر صفات قرآن کریم برای تورات، صفت «ضیاء» و «کتاب مستبین» است. در اینکه میان «ضیاء» و «نور» چه تفاوتی است، بین لغویین و مفسرین، نظرها و گفت‌وگوی فراوان وجود دارد. اما نظری که دقیق‌تر به نظر می‌رسد این است که دو کلمه مزبور اگرچه در بسیاری از مواقع مترادف هستند، اما گاهی فرق دارند، زیرا: الضوء و ضیاء به معنای نور ذاتی است، ولی نور، آن چیزی که از غیر خودش نور می‌گیرد و بنابراین، قول خداوند متعال است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا» (یونس/۵) (العسکری، ۱۳۷۹: ۳۳۳).

آیه: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ» (انبیاء/۴۸) بیانگر این نکته است که تورات روشنی‌بخش زندگی و یادآور مسیر هدایت و نیازمندی‌های دینی برای تقوایندگان بود و اگر تورات را ضیاء خواند، به خاطر این است که مسیر انسان‌های باتقوا را به سوی رستگاری در دنیا و آخرت روشن می‌سازد. لذا در آیه دیگر که قریب به این معناست، آن را کتاب مستبین می‌خواند: «وَلَقَدْ مَنَّا

عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ وَنَصَرْنَا هُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ» (صافات / ۱۱۷-۱۱۴) و به تحقیق ما به موسی و هارون نعمت ارزانی داشتیم و به آن دو کتاب روشنگر دادیم. مستبین به معنای مبین (روشن و روشنگر) است و مبین و «تا» در آن برای تأکید و مبالغه است؛ یعنی بسیار روشن و روشنگر (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۵/۴۶۱)

این آیه اشاره می‌کند که کتاب آسمانی حضرت موسی و هارون (تورات) برخوردار از پیام‌ها و مضامینی بسیار روشن و قابل فهم برای همگان بود و به تمام نیازمندی‌های دین و دنیا و آخرت بنی اسرائیل و انسان‌ها در آن روز پاسخ می‌گفت. کتابی روشن و روشنگر بود که مجهولات نهایی را روشن می‌کرد و آن اموری را که بشر آن روز احتیاج داشت، فاقد آن بود و بر او پوشیده بود، بیان می‌داشت. «مجمع‌البیان» ضیاء را یکی از صفات تورات می‌داند که پیروان حضرت موسی (ع) از نور آن بهره می‌گرفتند تا هدایت شوند: «(وضیاء) ای: و آتینا هما ضیاء و هو من صفه توره ایضاً مثل قوله (فیها هدی و نور) و المعنی انهم استضاء و ابها حتی اعتدوا فی دینهم» (طبرسی، ۱۳۸۰: ۷/۹۲).

۷/۵- امام: در قرآن کریم، علاوه بر اوصاف مشترک بین تورات و انجیل، بعضی از اوصاف و ویژگی‌های تورات هم ذکر شده که نشانگر اهمیت و جایگاه والای تورات در قرآن است. یکی از صفات بسیار مهم که برای تورات ذکر شده، لفظ امام است که در میان کتب آسمانی فقط بر تورات اطلاق شده است. راغب در «مفردات» امام را «مقتدا»، و به آنچه که به آن اقتدا می‌کنند و به معنی «پیشوا» می‌داند؛ چه انسان باشد که به سبب قومش یا فعلش مورد اقتدای مردم باشد یا در کتاب حق باشد یا باطل و ائمه جمع امام است: «والامام: المومتم با انساناً کان یقتدی بقوله او فعله، او کتاباً او غیر ذلک معقلاً کان او مبطلاً. جمعه ائمه و قوله تعالی: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمْلَامِهِمْ» (اسراء/ ۷۱) ای بالذی یقتدون به وقیل: بکتابهم... (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ ق: ذیل واژه امام) امام در لغت به معنای الگو و پیشواست. لذا در قرآن کریم برای چندین مصداق به کار رفته است یکی از مصداق‌های آن «شاهراه» است. راهی که

ورود در آن انسان را به مقصد می‌رساند و مسافر از آغاز تا پایان آن با راه‌های دیگر مواجه نمی‌شود تا سرگردان بماند، و نیاز به علامت داشته باشد، به امام موسوم است. لذا خداوند تعالی درباره شاهراه مجاز به شام و ویرانه‌های قدیم لوط و اصحاب ایکه در کنار آن واقع است می‌فرماید: «و ان کان اصحاب الایکه لظالمین فانتمننا منهم و انهما لیامام مبین» (حجر/۷۹-۷۸) اطلاق امام به کتاب آسمانی تورات (من قبله کتب موسی اماماً و رحمه) نیز از این‌روست. زیرا مقتدای انسان‌ها در زمان حضرت موسی و بعد از او، راهی بدون حیرت بوده است که عمل‌کننده به آن به مقصد می‌رسید. انسان کامل را هم به این دلیل امام می‌گویند که معارف کتاب‌های آسمانی را داراست و سیره و سنت، و قول و گفتار او راه روشنی است که اقتدای به آن سالک را به مقصد می‌رساند (و جعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا) بعضی از مفسرین اطلاق امام به شاهراه، کتاب آسمانی، لوح محفوظ و انسان کامل را از باب تطبیق معنای حکمی بر مصداق‌های روشن آن می‌دانند، نه از باب تفسیر مفهومی (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶/۱۲۵) همان‌طور که گذشت، در میان کتب آسمانی لفظ امام فقط در مورد تورات به کار رفته است. در سوره هود می‌فرماید: «افمن کان علی بینة من ربه و یتلوه شاهد منه و من قبله کتاب موسی اماماً و رحمی اولئک یؤمنون به و من یکفر به من الاحزاب فالنار موعده فلا تک فی مریة منه انه الحق من ربک ولكن اکثر الناس لا یؤمنون» (هود/ ۱۷) این آیه ضمن بیان اینکه تورات، کتاب آسمانی نازل شده بر حضرت موسی (ع) حاوی بشارت بر نزول قرآن و دلیل آشکاری بر حقانیت آن است که برخورداران از بصیرت الهی، دلالت تورات بر نزول قرآن را به خوبی در می‌یابند، عظمت تورات را در مقایسه با کتب آسمانی دیگر از نظر قرآن بیان می‌کند (و من قبله کتاب موسی اماماً و رحمه...) در «سوره احقاف» نیز تعبیر امام در مورد تورات به کار رفته است: «و من قبله کتاب موسی اماماً و رحمه و هذا کتاب مصدق لسانا عربیا لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین» (احقاف/ ۱۲) در این آیه نیز ضمن تصدیق تورات و هماهنگی پیام و محتوای آن با قرآن، به بیان اهمیت تورات در میان کتب آسمانی می‌پردازد و آن را به امام و رحمت توصیف می‌فرماید که سرمشق زندگی و تبلور رحمت الهی در میان پیشینیان بوده است. اینکه لفظ امام به صورت مطلق بر

کتاب آسمانی تورات اطلاق شده، جایگاه بی‌بدیل تورات را در میان کتب آسمانی نازل شده قبل از قرآن می‌توان دریافت.

تفصیل و تفسیر لفظ امام را شاید بتوان از «سوره مائده» آیه ۴۴ فهمید؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُوْرٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اَخْشَوُا اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيْلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ». در «تفسیر نمونه» علت تعبیر امام درباره تورات چنین بیان شده است: ...تعبیر به امام در مورد تورات ممکن است به خاطر این باشد که احکام شریعت موسی (ع) به‌طور کلی در آن بوده و حتی مسیحیان بسیاری از تعلیمات خود را از تورات می‌گیرند. (مکارم، ۱۳۸۰: ۹/۵۶)

در «مجمع‌البیان» آمده است: (اماماً) یوتم به فی امور الدین (و رحمه) ای: و نعمه من الله تعالی علی عبادہ، و قیل معناه ذا رحمه ای: سبب الرحمه لمن آمن به). (طبرسی، ۱۳۸۰، ۵/۲۵۵). که معنای امام را پیشرویی که در امور دین به او اقتدا می‌شود، دانسته و رحمت به معنای نعمت از طرف خداست. اما در آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ...» بر نزول آن از جانب خدا، نام بردن از آن به‌عنوان کتاب و آیات خدا، متصف کردن به «هدایت» و «نور» و پیروی انبیاء، ربانیون و احبار و حفظ آن‌ها کتاب خدا را، مرجع قرار دادن آن و کافر خواندن کسی که حکم نکند بر احکام آن، تأکید شده است. این تعبیرات بر جامعیت در مرجعیت و پیشوایی تورات نسبت به کتب آسمانی دیگر قبل از قرآن و پیروی پیامبران حتی پیامبر اولوالعزم چون عیسی (ع) (جز در برخی از موارد که نسخ آن احکام بوده است) دلالت می‌کند. علامه طباطبایی در توضیح «اماماً و رحمه» چنین می‌فرماید: «در اینجا روشن می‌شود که چرا کتاب موسی، یعنی تورات را با صفت امام و رحمت توصیف کرده است. چون آن کتاب مشتمل بر معارف حق و شرایع الهی بوده است که مردم آن شرایع را امام و پیشرو خود قرار دادند. آن شرایع رحمت و نعمتی بود که بشر آن روز از آن متنعم می‌شود و

توصیف تورات به امام و رحمت در جای دیگر از کلام الله مجید نیز آمده است؛ (احقاف / ۱۲-۱۰) آنجا که فرموده: امام بود، چون بنی‌اسرائیل به آن اقتدا می‌کردند و رحمت بود، چون به وسیله آن هدایت می‌شوند. طریقه‌ای بود که درستی راهنمایی‌هایش تجربه شده بود (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۷۷-۱/۲۷۶).

۶. نتیجه‌گیری

بررسی و مطالعه آیاتی که واژه‌ی تورات در آنها بکاررفته است نشان می‌دهد که:

- ۱- کاربردهای قرآنی این واژه، احترام آمیز و همراه با تأیید است که این کاربرد به وحیانی بودن این کتاب اشاره دارد از جمله: «نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هَدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ...» (آل‌عمران: ۳-۴).
- ۲- از دیدگاه قرآنی، تورات مصداق حقیقی حقایق فرود آمده از سوی خدای متعال به بشری برگزیده است. این وحی بنابر منظومه‌ی فکری قرآن از مراحل ابلاغ تا دریافت از هر گونه اشتباه و دستبرد خناسان مصون و محفوظ است.
- ۳- در این کتاب آسمانی (قرآن)، تورات، انجیل، زبور و قرآن کریم در عرض یکدیگر و گاه در کنار هم قرار گرفته و در راستای یکدیگر و دارای مفاهیمی یکسان‌اند. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که از تورات حتی به عنوان سابقه و پیشینه‌ای برای اندیشه‌ی الهی قرآن کریم یاد شده است.
- ۴- عمل به تورات خود در بر دارنده‌ی ارزشهایی است که سبب می‌شود تا عاملان بدان، خود جایگاهی بلندمرتبه یافته، نه تنها به مثابه‌ی اهل کتاب، که به دلیل شیوه‌ی برخورد آنها با کتاب آسمانی‌شان در شمار اهل دین قرار گیرند.

۵-انتساب فروزه‌هایی همچون هدی، نور، فرقان و... معرف و روایتگر ساحت قدسی و هدایت کننده تورات است. اهمیت انتساب این فروزه‌ها زمانی دوچندان می‌شود که بدون تردید قرآن خود دارای منشایی وحیانی است.

۶-از فروزه‌های اختصاصی تورات در قرآن کریم، ویژگی «امام» قابل توجه و تأمل است. این فروزه دو بار پس از نام بردن از کتاب موسی ذکر شده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین محمود (۱۴۰۵ هـ). تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم.
- ابن جوزی، عبدالرحمان (۱۴۲۳هـ). زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت: انتشارات دار ابن حزم.
- ابن کثیرالدمشقی، اسماعیل (۱۴۱۹) تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ایجی شیرازی شافعی، محمد (۱۴۲۴هـ). جامع البیان فی تفسیرالقرآن، حاشیه محمدبن عبدالله الغزنوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بلاغی، محمدجواد (۱۳۶۳) الهدی الی دین المصطفی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- جفری، آرتور (۱۳۹۵) واژه‌های دخیل در قرآن کریم، تهران: توس.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵) تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
- حاج منوچهری، فرامرز، لاجوردی، فاطمه (۱۳۶۷) تورات، دانشنامه بزرگ اسلامی زیر نظر سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز بزرگ دائره المعارف اسلامی.
- حسنی واعظ، محمود (بی تا) دقائق التاویل و حقایق التنزیل، محل نگهداری کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمدبن فضل (۱۴۱۶ هـ. ق) مفردات الفاظ قرآن، دمشق: دارالقلم، چاپ اول.
- رشیدالدین المیبیدی، ابوالفضل (۱۳۵۷) کشف الاسرار و عده الابرار، معروف به تفسیر خواجه عبدالله، تهران: امیر کبیر.
- رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰) المنار، مصر: مطبعه المنار.

- زمخشری، جارالله محمودبن عمر (۱۴۱۵ هـ.ق) تفسیر الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، قم: دارالقلم، چاپ دوم.
- سیوطی، المحلی (بی‌تا) تفسیر جلالین، تحقیق مروان سوار، بیروت: دارالمعرفه.
- طالقانی، محمود (۱۳۴۵) پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷) تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی چاپ بیستم.
- طبرسی، شیخ ابوعلی بن فضل بن حسن (۱۴۲۱ هـ.ق) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالعلوم.
- طبری، محمد (بی‌تا) تفسیر الطبری جامع البیان عن تاویل آیه القرآن، قاهره، مرکز هجر للبحوث و الدراسات العربیة والإسلامیة. عسکری، ابوهلال (۱۳۷۹) معجم الفروق اللغویة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
- عیاشی، محمد (۱۴۲۱) تفسیر العیاشی، قم: مؤسسه البعثة.
- فخر رازی، ضیاءالدین عمر (۱۴۱۰ هـ.ق) تفسیر فخر رازی (معروف به تفسیر کبیر و مفتاح الغیب)، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- فعال عراقی، حسین (۱۳۸۱) یهود در المیزان، تهران: سبحان، چاپ اول.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۵۴) قاموس قرآن، تهران: بی‌نا.
- قرطبی، محمد (۲۰۰۶) الجامع لأحكام القرآن، بیروت: الرسالة.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۶) تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- مقاتل، ابوالحسن (۲۰۰۲) تفسیر مقاتل، دراسة و تحقیق محمود شحاته، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰) تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- واحدی نیشابوری، علی (۱۴۱۵) الوسیط فی تفسیر القرآن المجید تحقیق و تعلیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود، الشیخ علی محمد معوض، الدكتور أحمد محمد

صيرة، الدكتور أحمد عبد الغنى الجمل، الدكتور عبد الرحمن عويس، بيروت: دارالكتب العلمية.

- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (١٣٨٦) تفسير راهنما، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.

The Heavenly Attributes of the Revelatory Torah in the Holy Quran
Habib Makaremnjad ¹, Ali Fathollahi * and Ardeshir Monazami²

1- PhD Candidant, Associate Professor, Department of Religions and mysticism, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

2- Assistant Professor, Department of Theology Lorestan University, Iran

(Received: August 15, 2021 – Accepted: September 21, 2021)

Abstract

The Holy Quran, as the last book of revelation of the Semitic religions, has spoken about the texts of its family and all its roots with high frequency. These words are sometimes expressed in the position of confirmation and sometimes in the position of their criticism. In confirming the Torah, the Holy Qur'an states many attributes (attributes), some of which are common between the Torah and the Qur'an, such as: mercy, difference and remembrance, etc. These common attributes indicate the origin of revelation. It has the Torah; A divine book that has been approved by the Qur'an and is also considered to be the herald of the Qur'an. The attribution of the Torah to the Holy Prophet, Prophet Moses (pbuh) in the form of tablets and in the forty-day spiritual journey of Mount Toor, is one of the most important of these Quranic data. Although not all the details of the Torah are mentioned in the Quran, some commentators have referred to its messages, such as not associating partners with God, respecting one's parents, and so on.

Keywords: Holy Quran, Jews, Quranic attributes of Torah, Torah

* Corresponding Author, Email: Ali.fatollahi@yahoo.com